

نمایشگاه نسیم بهشت

بسم الله الرحمن الرحيم

جهل انسان

تربیت از مقام رحمت خداوند نشأت می‌گیرد، لکن انسان، ظلوم و جهول است. متأسفانه ما انسانها رب الارباب را، که ربّ مطلق است، رها و گم کرده‌ایم و به در خانه او نمی‌رویم و در عوض به در خانه دیگران مراجعه می‌کنیم. این هم از بی‌عقلي و جهل انسان‌هاست.

نردبان آسمان ص 20

خلیفة‌اللهي

مبدأ هر کمال، علم و دانش است. مبدأ هر سعادت، علم و دانش است. باید از این مبدأ حرکت کرد، تا انسان‌شناس و خداشناس شد. باید دستگاه خدا را فهمید و با آن آشنا شد. خلیفة‌الله کسی است که صفات و علم و کارهایش خدایی باشد.

نردبان آسمان ص 23

ملکوت اشیاء

انبیاء چون ملکوت اشیا را می‌دیدند؛ یعنی درک می‌کردند، در مقام عصمت بودند. لکن ما در عالم ملک، زندانی و محصوریم و قیاح گناه را درک نمی‌کنیم. دروغ گفتن، غیبت کردن و همه گناهان در ملکوت عالم دارای شکل خاصی هستند که انسان از آن متنفر است.

نردبان آسمان ص 25

روح تجاوز و تعدی

امروز آمریکا روح تجاوز و تعدی است. هر کس که دارای روح تجاوز و تعدی باشد، گر چه در محیط بسیار کوچکی باشد، آمریکایی است. هر کس در محیط خانه، یا محیط کار، یا در محله به یک نفر زور بگوید، آمریکایی است، و این همان روح تجاوز و شیطنتی است که به مقیاس وسیع در سردمداران آمریکاست.

نردبان آسمان ص 28

موانع فهم حقایق

حجابها و پرده‌ها مانع از آشنایی و دیدن حق است. مانع از فهم و ادراک حقایق و معارف و لذت بردن از آنهاست. این پرده‌ها انسان را محاصره کرده‌اند. این پرده‌ها باید پاره شوند. این پرده‌ها پرده هوی و هوس است، پرده دلخواهی است. اگر انسان دلخواهی و هوس خود را کنار بزند و دور بیندازد، همه کارهای او درست می‌شود. این هواها مانع از ادراک حقایق است، مانع از معرفت خداست.

آشنایی با قرآن

تقوا مرتبه‌ای از کمال انسانیت است. آدمی یک وقت، لغت تقوا را می‌خواهد بداند و یک وقت می‌خواهد تقوا حاصل کند. گاهی چهل سال زحمت لازم است، تا تقوا حاصل شود و آن گاه فهم کتاب، انسان هر اندازه در فنون و علوم تخصص داشته باشد، استاد فلسفه باشد، مادامی که واجد حرکت انسانی و حرکت الهی و حرکت علمی و عملی نباشد با کتاب آشنا نمی‌شود و نمی‌تواند آشنا شود.

توسل به ائمه

قدر و قیمت ندارید، مگر به واسطه توسل به ائمه (علیهم‌السلام) و مناجات با خدا و عمل. تا با همه اینها انسان مقداری حرکتش بالا رود. اگر شما خیال می‌کنید با رسیدن به نان و کباب، کار تمام است، می‌خواهم بگویم اشتباه کرده‌اید.

هوی و هوس

تا جایی که انسان به هوی و هوس خود متحرک است، بنده شیطان است. آن را نباید به حساب خدا بگذارد. هر عملی را که برای رضای خدا ایجاد کرد، آن عمل عبادت خداست. «وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ، مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ، وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» ¹ حرفهایی که پیامبر خدا می‌زند، روی هوی و هوس نیست. کارهایش هم از روی هوی و هوس نیست.

اصلاح خویشتن

خلاصه، راهی نیست مگر این که انسان خودش را اصلاح کند. و انسان اصلاح نمی‌شود، مگر از راه اطاعت خدا. اگر فردا دروغها را، تهمت‌ها را، غیبت‌ها را، کلاه‌برداری‌ها را کنار گذاشتی، بدخواه بندگان خدا نبودی، آدم خوبی هستی.

ظلمت محض

یک وقت بعد از هشتاد سال - با همه نماز و روزه - می‌بینی هنوز خبری نیست. جز یک ظلمت محض چیزی نداری و حال آن که خیال می‌کردی از نواغ بشریت هستی. بله! در جنایت و جرم و شیطنیت از نواغ بشریت هستی. این مسیر، مسیر انسان‌سازی نیست؛ مسیر شیطان‌سازی است؛ خلوت و جلوت هم ندارد. هیچ گاه تکالیف خدا را فراموش نکنید، هیچ‌گاه خدا را از یاد نبرید.

موانع دیدار خدا

موانع، همه مال این بشر است. تا این بشر گرفتار شهوات، حسدها، حرصها، رقابتها، تعارضها و تراحمهای دنیوی و اقتصادی است، مانع دارد. «مَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَغْشَى بَصَرَهُ» این قدر گرفتار دنیا است که به دنیا هم نمی‌تواند برسد. با این که سرتاسر جهان، مملو از آیات الهی است، این بشر خدا را نمی‌بیند. چرا؟ برای این که گرفتار پول و شهوت و مقام است، گرفتار صفات حیوانی است. اینها مانع هستند.

موانع نورانیت

همه جور شهوات را می‌خواهی اعمال کنی و با این وجود، خداپرست هم باشی؟! فحش‌های را بدهی، قلدریها، جهالتها، شیطنتها و توطئه‌های را بکنی، معرفت هم برای تو حاصل شود؟! خیال نکنید ما اهل توطئه نیستیم. ما اهل توطئه هستیم. اینها همه مانع از نورانیت عقلی و الهی است. معصیت خدا مانع است.

مسیر شیطان

باید حرکت کنی، باید بندگی خدا را کرد و بنده هوی و هوس نبود. اگر بگویی: دلم می‌خواهد چنین کنم، در فلان مسیر حرکت کنم، این همان مسیر شیطان است. مسلمان کسی است که در حرکتش رضای خدا را ملاحظه کند. ببیند آیا خدا راضی است.

مالک نفس خویش

اگر کسی مالک نفس خود شد، مالک شرور هم هست؛ چون تمام شرور، آثار نفس بشری است. اگر نفس در اختیار شما باشد، تمام شرور در کنترل شماست. هر گاه می‌خواهی غیبتی کنی، نورانیت الهی می‌گوید نکن! هر گاه بخواهی توطئه‌ای کنی، جهت الهی می‌گوید: چرا؟

اغفال شیاطین

اسلام می‌گوید: همه شما آگاه باشید، سیادت پیدا کنید، همه آقا باشید و بنده خدا! چند معبود دارید؟ پول را که پرستش می‌کنید، مقام را که پرستش می‌کنید، نفوس شیطانی را که پرستش می‌کنید! اینها تهمت نیست، اینها حقیقت است. همه این ارباب‌ها را رها کنید! فقط یک ارباب پیدا کنید که خدای تعالی است! انبیا و اولیا و صلحا به این برکت اربابند، کسانی که احیای موتا و اشفای مرضی کردند، همه به برکت خدای تعالی بوده است. بیایید در این راه و در این دستگاه، بیایید و آگاه شوید و اغفال شیاطین نشوید.

انسان شدن

انسان شدن به این است که از محرمات الهی فاصله گرفته شود. جواب هوی و هوس داده شود. اگر بتوانی از کلک زدن صرف نظر کنی، آنگاه انسان می‌شوی. وقتی انسان شدی، خوب و بد را می‌فهمی. قلدرها نمی‌فهمند قلدری بد است، اسم آن را شجاعت و عرضه می‌گذارند، ولی وقتی به قلدری مثل خود دچار شدند، می‌گویند: عجب کار بدی است! تا نفوس تزکیه نشود، دعوت انبیا را نمی‌فهمند و نمی‌توانند اجابت کنند و حتی به آنها نسبت می‌دهند که برای پول چنین می‌کنند. باور نمی‌کنند که ناهم و جاهلند. اگر خوب و بد را فهمیدی و فهمیدی که اطاعت خدا خوب و معصیت او بد است، فحش و دروغ و غیبت بد است، آن وقت انسان می‌شوی.

اهل ظلم

چرا مزایای رجل الهی و انسان کامل در ما نیست؟ چون حق تعالی امامت، ولایت و مناصب الهی را به اهل ظلم عطا نمی‌کند و چه ظلم و ستمی بالاتر از ظلم به نفس و خاموش کردن قوه عاقله است؟!

مقامات عالی انسانی

راه رسیدن به این مقامات عالی انسانی که حدّ نهایت ندارد، در سایه بندگی است. انسان به میزانی که حرکتش الهی شود و خالص گردد، به خداوند و اولیای او نزدیک می‌شود. انسان باید از انبیا تبعیت کند و راه آنان را برود، تا به کمالاتی که برای او آماده کرده‌اند برسد.

ملاک انسانیت

انسان اگر خدا را اطاعت نکند، با حیوانات فرقی ندارد. حیوانات هم، اکل و شرب دارند، مسکن می‌خواهند، توالد و تناسل دارند، هر چه انسان نیاز دارد حیوانات هم نیاز دارند. حیوانات نقشه‌های شیطانی هم دارند، آنها در نقشه‌ها عقب نیستند، در نقشه‌های شیطانی هم استادند.

آتش‌فشان

انسان تا زمانی که در مرتبه نفوس حیوانی است، آتش‌فشان است. اگر می‌خواهید آتش نداشته باشید، چشم و دست و قلب آتش نباشد، باید تائب شوید. راه دیگری ندارید، مبدأ آتشها نفوس بشری است.

باید خودت آدم باشی

اگر خودت آدم بشوی، بچه‌ات هم آدم است. اگر خدای نکرده خودت آدم نشوی، بچه‌ات آدم نیست، گرچه به صورت، آدم باشد. اگر می‌خواهی از بچه‌ها آسوده خاطر باشی، باید خودت آدم باشی. یک فرزند ناجور از ده تا بچه صالح زحمتش زیاده‌تر است. اگر فرزندان خراب شدند، خودت کرده‌ای، این بچه هم مثل خودت شده است، بچه تو است. فرزند، نهال انسان است؛ اگر اصل خراب نباشد، نهال خراب نمی‌شود.

نردبان آسمان ص 123

غرض آفرینش

دستگاه خدا فراهم نشده است، تا از انسان گرگ بسازد. غرض از آفرینش، این است که انسان خلیفه‌الله شود. ولی تو حواست پرت است. می‌گویی: اگر مشکل اقتصاد را حل کردیم، همه مشکلات حل شده است، این فکر خود تو است. این فکر، کودکانه است. این فکر، بچگانه است. هشتاد سال برای اقتصاد فعالیت کردی، ولی ذره‌ای برای اعتقادات، اخلاق و سلامت کار نکرده‌ای. گمان می‌کنی درست است؟ آن اقتصاد را هم فردا از تو می‌گیرند، آن وقت هیچ نداری. فقط جرم و جنایت.

نردبان آسمان ص 124

یاری خدا

اگر به واسطه اطاعت خدا، در راه او مجاهده کردی، همچون مجاهداتی که انبیا و اولیا و صلحا کردند، این مجاهده، شما را در فطرت نگه می‌دارد. چون خدا به مجاهد وعده داده است که اگر من را در برابر شیطان یاری کردی، من هم تو را یاری می‌کنم: «ان تنصروا الله ینصرکم». اگر همه بخواهند تو را زمین بزنند نمی‌توانند؛ چون خدا می‌خواهد تو بالا بروی. اگر در راه خدا مجاهد کردی، یاری خدا را می‌بینی.

نردبان آسمان ص 136

نصرت خدا

تو نیز اگر می‌خواهی مورد نصرت خدا باشی، به طوری که شبهه نکنی که آیا خدایی هست یا نه، برو مجاهده در راه خدا کن. آن جا که از همه وسایل بیچاره شدی و تنها هستی و همه قصد اعدام تو را دارند، خدا به فریاد تو می‌رسد، همان جا آتش را گلستان می‌کند؛ ولی این مربوط به مجاهد است، نه هر کس دیگر. تو باید به توفیق الهی، اطاعت هوی و هوس را تعطیل کنی و اطاعت خدا بکنی، تا پشت سر آن، نصرت خدا را ببینی.

نردبان آسمان ص 137

نصرت الهی

خیال نکن آنچه دلت می‌خواهد به درد تو می‌خورد! آنچه دلت می‌خواهد، جهنم است. نمی‌دانی هوی و هوس آدم را به کجا می‌برد. قدری از این هوی و هوس صرف‌نظر کن! قدری از تخیلات صرف‌نظر کن! وجدان

مجاهد، نصرت الهي را باور مي‌کند. کسي نيست که نصرت خدا کند و خدای تعالی او را نصرت نکند

نردبان آسمان ص 138

نورانيت

نفوس عاصي و گنهگار، نفوس حيواني هستند و آثارشان هم آثار حيوانيت است؛ شهوات و جهالت‌هاست. لکن نفوس انساني، آثار انساني دارد؛ نورانيت دارد. آثارشان همان آثار انبيا و اولياست، آثارش خير و صلاح است.

نردبان آسمان ص 143

نفس حيواني

آيا نفس را مي‌شناسيم؟ نفس حيواني انسان يك موجود ناري است. اين موجود ناري، مبدأ همه شرور و فسادهاي جهان است. مبدأ تمام قتل و غارتگري‌ها، ستمگري‌ها، بي‌ناموسي‌ها و هتاكي‌ها، غير از نفس حيواني نيست. آيا اين نفس را مي‌توان عبادت کرد؟ آيا مي‌توان گفت: کارها بايد به دلخواه ما باشد؟ نفسي که آدم دنبال آن است و اين قدر مي‌خواهد به دلخواه او کار شود، مبدأ همه نارها و ظلمتهاست. خاطرات نفس حيواني، جهنم است.

نردبان آسمان ص 148

فضل الهي

اگرديد خدوم هستيد، خدمتگزاريد، آداب معاشرت را خوب ياد داريد، اخلاق حسنه، عفت و عصمت داريد، اين مال خود شما نيست، بلکه به لطف الهي نصيب شما شده است. اگر لطف الهي نباشد، ما هم از هتاکان و سفاکان و افراد ناجور مي‌شويم. پس اگر خدای تعالی اخلاق فاضله انساني نصيب شما کرد، غرور پيدا نکنيد که ما هستيم که اين کاره‌ايم. تو نيستي. اگر حفظ و نگهداري الهي نباشد، آدم هرگونه کثافت‌کاري مي‌کند. نفس بشري اين چنين نفسي است؛ خطرناک است. توجهات و فضل الهي است که نگهدار انسان است.

نردبان آسمان ص 149

لياقت نفوس

نعمت‌هاي الهي به فرد بستگي ندارد، بلکه تابع لياقت نفوس و همت آنان است. بعضي مي‌گويند: ما به همان ماديّات قانع هستيم، خورد و خوراک ما رو به راه باشد، کار ديگري نداريم. متوجه نيست که با خورد و خوراک تنها، يك موجود مادي، ظلماني و تاريخي است؛ آدم نيست. خبر ندارد که تمام عباداتش، عبادت نفوس شيطاني است؛ عبادت الله نيست. با نمازي هم که خوانده است گمان کرده است بنده خدا بوده است. خدای ناکرده يك وقت بنده شيطان بوده است و نمازها را به حساب خدا گذارده است.

نردبان آسمان ص 150

مصباح نوراني

اگر نعمت‌های الهی نباشد، ما یک آتش هستیم. هر جا برویم، آتش همراه ماست. در عالم برزخ هم همین آتش همراه ماست. اگر به رحمت الهی موفق شدي یک موجود نورانی می‌شوی، در این عالم از نورانیت استفاده می‌کنی و در برزخ هم مثل یک مصباح نورانی می‌شوی. خدا توفیق بدهد که انسان از معارف اسلام استفاده کند، از عبادات اسلام استفاده کند. انسان مجانی نورانی نمی‌شود. باید روزه را بگیرد، نماز را بخواند، اخلاص هم داشته باشد. جماعت تشریفاتی، نماز تشریفاتی از آدم، یک شیطان ناری تربیت می‌کند.

نردبان آسمان ص 152

موجود ظلمانی

انسان باید بداند که اگر کار برای خدا نباشد و برای تظاهر باشد، نه تنها از عبادات استفاده‌ای نکرده است، بلکه ضرر هم کرده است. این مربوط به خود انسان است، تا ببیند کارهایش برای خداست یا برای تظاهر است؛ برای خداست یا برای سیاست‌ها و جلب توجه دیگران است. اگر برای جلب توجه دیگران باشد، ضرر کرده است. نتیجه آن این است که موجود ظلمانی می‌شود.

نردبان آسمان ص 152

درک کلمات الهی

اگر می‌خواهید موفق به درک و فهم کلمات انبیا، کلمات کتاب خدا، کلمات نهج‌البلاغه، کلمات صحیفه سجادیه شوید، باید مزگی شوید؛ اگر مزگی شدید، درک می‌کنید.

نردبان آسمان ص 160

نماز بی عروج

صلوة جاذب نفوس انسانی است. صلوة، معراج مؤمن است و این معراجیت صلوة، معراجیت واقعی است، ولی چرا نفوس عروج پیدا نمی‌کنند؟ چرا به سوی الله حرکت نمی‌کنند؟ چرا به خدای تعالی تقرب پیدا نمی‌کنند؟ چگونه است که هم نماز می‌خواند، هم قلدری، سفاکی و سبعت می‌کند؟! این، برای این است که نمازش صادقانه نیست. اگر نماز صادقانه بود، عروج دارد. دروغ‌بافی، آدم را به جایی نمی‌رساند.

نردبان آسمان ص 163

نماز معراجی

نماز، کبریایی و عظمتی دارد. خدای تعالی، نماز را به عظمت توصیف می‌کند. نماز با عظمت است، ولی نه نماز ما، بلکه نماز معراجی؛ نمازی که ناهی از فحشاست؛ نمازی که مقرب انسان‌های باتقواست. الآن نماز خوان خیلی زیاد است، ولی نمازی که در آن عبادت خالصانه حق باشد، نمازی که در آن توحید باشد، کم است. آزادی نفوس به این است که موحد باشند.

نردبان آسمان ص 168

خاشعان

خاشعان کساني هستند که به معاد معتقدند و مي دانند بعد از اين نشئه در نشئه اي ديگر، دار جزاست. آن جا دار حساب است. حرکت چشم هم شايد مورد حساب باشد. مگر مي شود بي حساب باشد؟ اگر حساب باشد، آدم خيلي حواسش را جمع مي کند. اگر مي بيند صبح تا به شام برخي افراد، يا دروغ است، يا غيب و يا تهمت، به خاطر اين است که نمي ترسند، نمي فهمند خدائي هست. اگر بفهمد فردا يک اعمالش مورد مؤاخذه است که: چرا غيب ديگران را کردي؟ چرا تهمت زدي؟ چرا آبروي کسي را بردي؟ کنترل مي شود. خوفي که از دستگاه خدا پيدا مي شود، از تمام جهان پيدا نمي شود.

نردبان آسمان ص 170

حرکت به مرتبه اعلي

دستگاه خدا دستگاهي است که مي خواهد اين بشر را به مرتبه اعلي حرکت دهد. ولي بشر، بشري است که مي گويد: ما به همين نفوس حيواني که داريم قانع هستيم، خورد و خوراک رو به راه باشد، ديگر هيچ کاري نداريم.

نردبان آسمان ص 175

کنار گذاشتن عقل

ما هنوز خدا را نمي شناسيم. منشأ آن، اين است که آلوده هستيم. اگر مي خواهي خدائي تعالي به تو کمک کند و از برکات خدا کمال استفاده را بکني، با حرف نمي شود. در خلوت و جلوت بايد محرمات الهي را ترک کرد. بايد توطئه ها، دروغگويي ها، تهمت ها، کمفروشي ها، کلاه گذاري ها و شيطنت ها را - که اسمش را عقل گذاشته ايم - کنار بگذاريم.

نردبان آسمان ص 181

تزکيه نفس

بايد عاقله را به کار انداخت و مزاحم آن را از ميان برداشت. مزاحم عاقله، نفس اماره است. هر اندازه انسان اين نفس را تزکيه و تهذيب کند و آن را از قدرت سبعي ببندارد و تضعيفش کند، حکومت و حاکميت عقل تقويت مي شود.

نردبان آسمان ص 186

آواز خدا

خدائي تعالي حجت را بر همه تمام کرده است:

آواز خدا هميشه بر گوش دل است کو دل که دهد گوش به آواز خدا

لابد مي گوييد: آواز خدا هم دروغ است. خير! تو اگر مانع را برداري، آواز خدا را مي شنوي. عيب از خود تو است؛ بايد مانع را برداري تا آواز خدا را هم بشنوي. اينها دروغ نيست، واقعيت است، ولي نه براي هر کس.

بنده هوي و هوس

ما مي خواهيم بنده هوي و هوس و شيطان باشيم، اسم آن را هم بندگي خدا مي گذاريم. گمان کرده ايد با اسم کار درست مي شود. اگر گفت: من بنده خدا هستم، ولي حقوق همسايه را تضعيف کرد، حقوق همشهري ها را تضعيف کرد، تکاليف الهي را حفظ نکرد و گوش و قلب و دستش در اختيارش نبود، اين بنده شيطان است، نه بنده خدا. انسان نمي فهمد و نمي خواهد بفهمد. اگر بخواهد بفهمد، قدري جلوي معايب خود را مي گيرد. به جاي اين که عِدّه و عُدّه اي موافق با خودش پيدا کند، اگر خودش را بسازد، عِدّه و عُدّه مي آيد.

عبادت صادقانه

اگر کسي از روي صدق بگويد: «اَيَاكَ نَعْبُدُ» و خودش بگويد: حرف راست مي زنم و از همه تشبثات صرف نظر کردم، بنده هوي و هوس نيستم. بنده ارباب هاي ديگر نيستم، فقط بنده خدا هستم و اين کلمه را صادقانه بگويد که استعانت هم به غير خدا ندارم، از تمام منکرات دور مي شود و به تمام برکات الهي نزديک مي شود. ولي اين خيلي مشکل است که آدمي صادقانه بگويد: «اَيَاكَ نَعْبُدُ». اين که مي بينيم در نماز امام زمان (عليه السلام) صد مرتبه اين جمله را بايد گفت، براي اين است که مضمون آن خيلي بلند و عالي است. ولي وقتي دروغ باشد، هزار مرتبه هم که بگويد: «اَيَاكَ نَعْبُدُ و اَيَاكَ نَسْتَعِينُ»، کارساز نيست.

محک توفيق

اگرديد بدي هاي شما کم شده است، بدانيد خداوند به شما توفيق داده است و از مکتب اسلام، از عبادات، حکمت و معارف اسلام استفاده کرده ايد. اين محک خوبي است. ولي اگر هشتاد سال، صد سال، در محيط اسلام مانده ايم و هنوز رذائل و شرور حل نشده است، معلوم مي شود که از نماز و روزه و معارف اسلام استفاده نشده است. نماز، نماز نبوده است، نمازي که معراج مؤمن است نبوده است. مفهوم معراج، آدمي را بالا نمي برد، بلکه حقيقت عروج، انسان را بالا مي برد. آيا به ياد داريم يک مرتبه صادقانه گفته باشيم: «اَيَاكَ نَعْبُدُ و اَيَاكَ نَسْتَعِينُ» تا اين کلمه را صادقانه نگويي و در نفس تو توطئه هاي شيطاني باشد، عبوديت و معراج نيست.

اول خودم

فقط به فکر اين نيست که مردم بدي نکنند. مي گويد: اول بايد خودم بد نباشم. ابتدا به فکر سازندگي خويش است. انبيا اولين کاري که کردند، خود را از رذائل نفساني دور کردند و به فضائل الهي آراستند. کسي که ايمان به خدا پيدا کند مي گويد: اصلاحات را بايد از خود شروع کنيم؛ نه اين که مردم بدي نکنند و ما هر کاري مي خواهيم بکنيم. بايد ابتدا خود را ساخت و از بدي ها و جهالت ها دور کرد، عبادت خالص خدا کرد و بعد ديگران را.

فرصت کوتاه

خداوند مدت کوتاهی به انسان فرصت داده است. خود او هم می‌داند که باید برود، ولی با این وجود، پرونده‌اش از پرونده هر درنده‌ای بدتر است. و این مربوط به انسانی است که از خدا منقطع است، از خدا دور است و از تکالیف الهی محروم. تکالیف الهی، همه رحمت است و سازنده. نماز و روزه‌اش سازنده است. نماز به انسان می‌گوید: موحد و خداپرست باش. اگر این چنین باشی، دنبال محرمات نمی‌روی، دنبال غارتگری نمی‌روی و حرفت از صد سند معتبرتر است. این است مسلمانی. آدمی که صبح تا به شام، هزار دروغ بگوید و افتخار کند که به مقصد خود که مقصدی کودکانه است رسیده است، انسان نیست.

لا انسان

خرابی‌ها از کجاست؟ دستگاه خدا که همه‌اش آبادی است! گندم‌ها، میوه‌ها، ... همه از دستگاه خداست. این گرفتاری‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ سرچشمه همه اینها هوی و هوس انسان است. بلکه باید گفت: «لا انسان». چون انسان این کارها را نمی‌کند

مانع

تو مانع هستی و نمی‌فهمی چه می‌کنی! باید خودت را درست کنی. کجای تو درست است؟ زیانت درست است؟ نه! چشمت درست است؟ نه! قلبت درست است؟ نه! پس کجای تو درست است؟ می‌خواهی چه چیزی درستت کند؟ «ان الصلوة تنهي عن الفحشاء والمنکر» نماز برای این است که شما را درست کند! اگر نماز شما را درست نکرد، نماز نخوانده‌ای، بلکه پشتک و وارو زده‌ای، خیال می‌کنی نماز خوانده‌ای، نماز آدم را درست می‌کند.

لذت روحانی

جوانی و نشاط موقت، بالاخره از انسان گرفته می‌شود و دیگر از لذات دنیا نمی‌تواند استفاده کند، ولی همیشه از لذات روحانی بهره‌مند است. انسان باید خود را به آن لذات برساند. لذات روحانی نصیب زبان هرزه و چشم هرزه نمی‌شود. باید خود را اصلاح کرد. از مبادی شروع کنید. اگر خود را در حد خودتان اصلاح کنید، با همان می‌فهمید که خدایی هست.

تحول عملی

آنچه نافع است، تحول عملی است. اگر آلودگی و توطئه و فساد و غیبت را کم کنید، خیلی نافع است. انسان

را به راه خدا نزدیک می‌کند و به خودتان خدمت کرده‌اید.

نردبان آسمان ص 274

و الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي محمد و آل الطيبين الطاهرين

پی نوشت

1 . نجم، 1 - 4.